کارگران همه کشورها متحد شوید!

نامهٔ مردم
ضمیمهٔ کارگری
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

شمارهٔ ۸۵ ، ۳۱ اردیبهشت ۱۴۰۳

تجربهٔ مبارزهٔ کارگران «هپکو»: توقف خصوصی‌سازی، خواست زحمتکشان است

پس از دو مورد تلاش برای خصوصی‌سازی ناموفق یا بهتر است بگوییم چوب حراج زدن به تمام اموال، تجهیزات، و ماشین‌آلات و ابزارهای شرکت "هپکو" فروش آن‌ها به‌بهایی کم‌تر از یک درصد ارزش واقعی‌شان در سال‌های ۱۳۸۵ و ۱۳۸۶ و در نهایت زیر پوشش بیمه‌های اجتماعی قرار گرفتن این شرکت کار را به جایی کشانده بود که بنا بر گزارش ایلنا، از شروع سال ۱۳۹۸ تولید این شرکت عملاً متوقف شد و صدها میلیارد تومان زیان متحمل گشت. خصوصی‌سازی شرکت "هپکو" علاوه بر متوقف شدن تولید در آن، به پرداخت نشدن ماه‌ها دستمزد کارگران و اعزام‌شان به مرخصی اجباری انجامید. تجمع‌های اعتراضی گستردهٔ کارگران "هپکو" در اراک برای خواست‌های صنفی‌شان به خارج از کارخانه و به سطح شهر کشیده شد.

در ۱۲ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳، پس از احیای نسبی بخش کوچکی از تولید در این شرکت، یک عضو هیئت مدیرهٔ شرکت هپکو خبر "موفقیت" در تولید مدل‌هایی جدید از ماشین‌آلات صنعتی و امکان صادرات این نوع ماشین آلات سنگین به کشورهای خارجی را اعلام کرد. البته حقیقت این است که صدمه خصوصی‌سازی به شرکت هپکو چنان شدید بوده است که ادعای این "موفقیت" بی‌پایه و صرفاً جنبهٔ تبلیغاتی دارد. سال‌ها طول خواهد کشید که شرکت هپکو- در صورت پیگیری برنامه‌ریزی‌ای کارآمد- به ظرفیت تولید قبلی‌اش برسد. ژرفای بی‌مسئولیتی در به‌وجود آوردن وضعیتی با خصوصی‌سازی عملاً افول تولید در هپکو و بیکاری عدهٔ زیادی از کارگران هپکو را موجب شده است در این ادعای عضو کذایی هیئت مدیره شرکت هپکو دیده می‌شود: "صنعت ماشین‌آلات و تجهیزات از قدرتمندترین صنایع در خلق ارزش افزوده است و میانگین ۱۰ برابری از بُعد ارزش هر تن صادرات محصولات به نسبت آمار کلی هر تن صادرات کالاهای ایرانی دارد، با این وجود این صنعت که گسترش روزافزونی را در جهان تجربه می کند، پایین‌ترین تراز تجاری را در بین صنایع در داخل کشور دارد" (سایت "نبض بازار"، ۱۲ اردیبهشت ۱۴۰۳).

روند رکود در تولید و فعالیت شرکت هپکو در سال‌های اخیر پیامد خصوصی‌سازی و پیگیری دیگر سیاست‌های نولیبرالی حکومت ولی فقیه از جمله آزادسازی واردات مشابه تولید صنایع داخلی و بازدارندهٔ رشد صنایع سنگین داخلی است. در حالی که در عمل واردات ماشین‌آلات سنگین برای صنایع و معدن‌ها آزاد است، شرکت هپکو در رقابت با واردات ماشین‌آلات خارجی و سوداندوزی سرمایه‌داران بخش تجاری خودی، نخواهد توانست به ظرفیت تولیدش دست یابد. در این موقعیت مانند سال‌های گذشته کارگران در درجه اول با از دست دادن امنیت شغلی‌شان و درنهایت دریافت نکردن دستمزد و بیکاری بیش از همه آسیب‌پذیر هستند. در چنین شرایطی بود که تولید شرکت هپکو از اوج ظرفیت تولیدی‌اش یعنی تولید نزدیک به ۳۰۰۰ دستگاه ماشین‌آلات سنگین در سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ به صفر رسید و پس از خصوصی‌سازی تولید عملاً متوقف شد. تولید شرکت هپکو در ۹ ماه اول سال ۱۴۰۱ به فقط ۲۲ دستگاه ماشین‌آلات و ۱۶۰ دستگاه در همان مدت مشابه در سال ۱۴۰۲ محدود می‌شد.

ادامه در صفحه ۴

اعتراض کارگران صنایع نفت، گاز، پولاد، و پتروشیمی
لغو قراردادهای موقت، مزد مساوی در برابر کار مساوی

در فروردین‌ماه و اردیبهشت‌ماه تظاهرات و تجمع‌های مطالباتی کارگران، زحمتکشان، و بازنشستگان در صنایع بزرگ راهبردی از جمله در صنایع فولاد، نفت، گاز، و پتروشیمی ادامه یافت. ادامه این تجمع‌های اعتراضی برای خواست‌های صنفی از یک طرف و عجز حکومت ولی فقیه از جوابگو بودن در مورد حداقل خواست‌های صنفی کارگران از طرف دیگر، یقیناً به تعمیق جنبش مطالباتی کارگران و سایر زحمتکشان در این عرصه‌ها منجر خواهد شد. از جمله حرکت‌های اعتراضی دیگر در صنایع فولاد، تجمع‌های کارکنان در روز یکشنبه دوم اردیبهشت‌ماه در تهران، اصفهان، و قائمشهر بودند که طی آن بازنشستگان صنعت فولاد در مقابل ساختمان صندوق بازنشستگی در شهر خود جمع شدند و اجرای طرح تکمیلی همسان‌سازی، دریافت مطالبات معوقه، تضمین اجرای تعهدات درمانی مطابق با آیین نامه فولاد، و اجرای آیین‌نامه و قوانین خاص صنعت فولاد را خواستار شدند. در طی این تجمع‌ها بازنشستگان صنایع فولاد همچنین از مدیریت صندوق بازنشستگی خواستند که افزایش حقوق و مستمری‌ها بر اساس نرخ تورم باشد. این تجمع‌های بازنشستگان صنایع فولاد در اصفهان و تهران در روز یکشنبه ۱۶ اردیبهشت ماه ادامه یافتند.

گسترش تجمع‌ها و اعتراض‌ها در صنایع بزرگ نفت، گاز و پتروشیمی نیز در روزهای اخیر خبرساز بودند. از این جمله می‌توان به مقاومت و اعتراض کارگران پالایشگاه ششم پارس جنوبی در استان بوشهر اشاره کرد. در طی این حرکت اعتراضی پس از پذیرفته نشدن "قرارداد کار یکسان مورد تائید وزارت کار از سوی کارفرما، برای همه پالایشگاه‌ها"، و ایجاد تغییراتی در شرایط کار برای پالایشگاه ششم پارس جنوبی، در حدود ۱۰۰ نفر از کارگران قرارداد را امضا نکردند و کارفرما از پرداخت حقوق فروردین‌ماه به آنان ممانعت کرد. چند روز قبل از آن نیز کارگران معترض مقابل ساختمان شرکت تجمع کردند و خواستار پاسخگویی به خواست‌های‌شان شدند. از بین کارگران اعتراضی بیش از ۲۰ نفر از ورود به کارخانه منع شدند. تعداد روزهای مرخصی استعلاجی یکی از موضوع‌های مورد اختلاف است که کارگران

ادامه در صفحه ۳

تأملی بر نقشِ جنبش کارگری در ارتقایِ سطح مبارزهٔ همگانی برضد دیکتاتوری

ژرفش بحران چندلایه و ناتوانی حکومت جمهوری اسلامی از حل این بحران‌ها و برآورده کردن خواست‌های اکثریت مردم به‌ویژه طبقه کارگر و زحمتکشان فکری و یدی، لزوم ارتقای سطح مبارزه جنبش همگانی برضد دیکتاتوری حاکم را در اولویت قرار داده است. در این میان بحث و بررسی دربارهٔ نقش و جایگاه جنبش کارگری و حرکت‌های سندیکایی در ارتقای سطح مبارزهٔ توده‌های مردم موضوعیت یافته و به بحثی داغ در این زمینه دامن زده است. این بحث‌ها از اهمیتی اصولی برخوردارند. مبارزه بر سر مطالبه‌هایی فوری و مهم نظیر مزد عادلانه، لغو قراردادهای موقت، توقف خصوصی‌سازی، و نظایر آن‌ها، یعنی مجموعهٔ مطالبه‌های صنفی، و بحث چگونگی پیوند این مطالبه‌های صنفی با جنبش همگانی بر ضد دیکتاتوری، ارایهٔ راهکاری را در این بحث ضروری می‌سازد.

تداوم آزادسازی دستمزدها، و فراگیر شدن قراردادهای استخدامی موقت در هفته‌های آغازین سال نو وضعیت را بیش از پیش برای سرکوب مزدی و شغلی کارگران پیمانی و قراردادموقت آماده کرده است. روزی نیست که

ادامه در صفحه ۲

پیش به‌سوی شکل‌گیری جنبش اعتصابی سراسری کارگران ایران!

ادامهٔ تأملی بر نقشِ جنبش کارگری ...

بیکار شدن دسته‌جمعی کارگران خبرساز نشده باشد. از آن جمله به اخراج یا تهدید به اخراج صدها نفر از کارگران و سایر شاغلان در هفته‌های اخیر در کارخانه "کمباین سازی تبریز"، "مخابرات گیلان"، "شرکت ملی فولاد اهواز"، "کارخانه سیمان خوزستان"، "کارخانه کاغذسازی پارس و طبیعت سلولز"، "شهرداری فردیس کرج"، "شرکت شهرک‌های صنعتی فارس"، "شرکت هوراند پلاستیک" در شهرستان کلیبر، "شرکت تهران بتن"، و بسیاری دیگر از مراکز تولید و خدمات می‌توان اشاره کرد. این اخراج‌های دسته‌جمعی کارگران در اثر نبودِ امنیت شغلی، با سرکوب مزدی و تعیین افزایش حداقل حقوق کارگران با نرخی بسیار پایین‌تر از نرخ تورم و هزینهٔ سبد معیشت همراه است. اتفاقی نیست که بسیاری از کارگران شجاع و عدالت‌خواه که برای احقاق خواست‌های صنفی‌شان تجمع و مبارزه می‌کنند، پیش از همه هدف قرار می‌گیرند و با اخراج از کار از هرگونه درآمدی برای زیست خود و خانواده‌شان محروم می‌شوند. بنا بر روایت آمار، اکثریتی بیش از ۹۶ درصد از کارگران با قراردادهای استخدامی‌ای موقت و پیمانی و یا حتی بدون هرگونه حق و حقوقی مکتوب، کار می‌کنند و از حق بیمه، دریافت مزایا و دستمزد قانونی محرومند.

فشارهای طاقت‌فرسای محرومیت از امنیت شغلی و استخدامی عادلانه باعث می‌شوند کارگران و زحمتکشان در مبارزه صنفی برای خواست‌های معیشتی‌شان به لزوم تلفیق این مبارزه با جنبش سیاسی به‌هدف به‌وجود آوردن شرایط لازم برای انجام تغییرات در سیاست‌های ضد کارگری کنونی رژیم ولایت فقیه پی ببرند. جنبش‌های اعتراضی برای خواست‌های عاجل از جمله دریافت دستمزد عادلانه، تأمین امنیت شغلی، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل، احیای تشکل‌های کارگری مستقل، و پوشش کامل بیمه‌های تأمین اجتماعی بیش از پیش گسترش پیدا می‌کنند. رژیم نه فقط به این خواست‌های عاجل و حل معضل‌های اقتصادی و معیشتی کارگران و زحمتکشان میهن ما نمی‌تواند پاسخی دهد، بلکه با سرکوب اعتراض‌ها و ادامه دادن به سیاست‌های آزادسازی دستمزدها، مقررات‌زدایی، و خصوصی‌سازی صنایع و بنگاه‌های تولیدی و خدماتی و دیگر برنامه‌های اقتصادی نولیبرالی در ضدیت با ابتدایی‌ترین خواست‌های زحمتکشان، این دشواری‌ها را تشدید می‌کند. این سیاست‌های ارتجاعی و ضد کارگری حاصل نسخه برداری کورکورانه رژیم ولایت فقیه از سیاست‌های موسوم به "اجماع واشنگتن" و صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی است. با ادامه دادن به این سیاست‌ها رژیم ولایی حتی قصد دارد با کاستن از تأثیر قوانین نیم‌بند روابط کار و تولید یا حتی در مواردی با حذف آن‌ها نیازهای حداقلی زندگی کارگران و زحمتکشان را فدای سودهای هنگفت سرمایه‌های داخلی خودی و بین‌المللی کند.

در چنین شرایطی است که با توجه به واقعیت‌های موجود، موقعیت طبقه کارگر و زحمتکشان و تشدید مبارزه همگانی علیه دیکتاتوری حاکم این سؤال مطرح می‌شود که نقش جنبش‌های اعتراضی-صنفی اخیر در تقویت مبارزه سیاسی همگانی چیست؟ و به دنبال آن می‌توان پرسید، آیا این تأثیرها هم‌زمان با تقویت راهبردی مبارزه ضد دیکتاتوری چه راه چاره‌هایی برای دستیابی به حقوق صنفی طبقه کارگر و سایر زحمتکشان به دست می‌دهد؟

در ماه‌ها و هفته‌های پایانی سال گذشته به‌عینه مشاهده کرده‌ایم در حالی که رژیم ولایت فقیه با تلاش تبلیغاتی برای تأثیر در افکار عمومی و تداوم بقایش می‌کوشید با توسل به فرمول فریب‌کارانهٔ "انتخاب بین بد و بدتر" مردم را به شرکت در انتخابات فرمایشی ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ مجلس شورای اسلامی ترغیب کند پیگیری گسترده و هم‌زمان با آن از سوی کارگران و زحمتکشان برای دستیابی به منافع و مزایای صنفی‌شان در خنثی کردن تلاش‌های تبلیغاتی رژیم و شکستِ آن نقشی فزاینده داشته است. تنها در بهمن‌ماه و اسفندماه ۱۴۰۲ در ده‌ها شرکت، کارخانه، معدن، مراکز درمانی و خدماتی، و ازجمله در صنایع کلان و راهبردی فولاد، و نفت و گاز، کارگران و دیگر کارکنان به تجمع‌های اعتراضی دست زدند. طبیعی است که نه تنها برای این زحمتکشان، بلکه برای همه کارگران و زحمتکشان زیر فشار سرکوب مزدی که با گوشت و پوست خود رنج‌های معیشتی حاصل از سیاست‌های ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی را لمس می‌کنند، لاطائلات و ادعاهای فریبکارانه سران رژیم و در رأس آنان علی خامنه‌ای در مورد "دستاوردهای انقلاب اسلامی" و اهمیت استقبال مردم از انتخابات مجلس شورای اسلامی باور کردنی نیست و نخواهد بود. در ادامه این عوام‌فریبی‌ها علی خامنه‌ای در دیدار با سید صولت مرتضوی ، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی و جمعی از کارگران در ۵ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ با اشاره به اصطلاح "جهش تولید با مشارکت مردم" که خصوصی‌سازی بیشتر در چارچوب "برنامه مولدسازی" دولت رئیسی است، گفت: "اگر مردم وارد میدان اقتصاد بشوند، به‌خصوص اگر وارد میدان تولید بشوند، تولید جهش پیدا می‌کند؛ تولید که جهش پیدا کرد، کشور ثروتمند می‌شود، آحاد مردم ثروتمند می‌شوند، جیب کارگر پُر می‌شود، دست کارگر پُر می‌شود، اشتغال افزایش پیدا می‌کند، بیکاری کم می‌شود و مشکلات فراوان کارگری و اقتصادی در کشور از بین می‌رود"[!] این در حالی است که پس از چهار دهه قول‌وقرارهای بی‌محتوا، این نوع سخنان مزوّرانه باور کردنی نیستند و دردی از دردهای توده‌های کارگر و مزدبگیر حل نمی‌کنند. آن چه واقعیت عینی دارد وضعیت کاری و معیشتی زحمتکشان است که هر روز وخیم‌تر از روز پیش می‌شوند.

در چنین وضعیتی- به‌رغم تلاش نمایندگان تشکل‌های زرد کارگری در محدود کردن فعالیت‌های صنفی طبقه کارگر و پاسداری از منافع اقتصادی و سیاسی رژیم ولایی و پایگاه طبقاتی‌اش یعنی سرمایه‌داران انگلی- طبقه کارگر با شناخت هر چه بیشتر از اهمیت پیوند مبارزات صنفی‌اش با جنبش همگانی، جنبشی که حاصل همبستگی با سایر زحمتکشان و قشرهای متحد طبقه کارگر در مقابله با رژیم ولایت فقیه است، نیرو می‌گیرد و در مبارزه با سیاست‌های ارتجاعی دیکتاتوری ولایت فقیه که عامل استثمار هر چه بیشتر کارگران و زحمتکشان است به توان خود پی می‌برد. می‌توان گفت در حالی که جنبش اعتراضی‌صنفی کارگران و زحمتکشان شتابی بیش‌تر پیدا کرده است، نیاز به برپایی تشکیلات صنفی مستقل و پیوند مبارزه صنفی در چارچوب تشکیلات مستقل کارگری با پیکار سیاسی هوشیارانه علیه استبداد بیش‌ازپیش در دستورکار قرار می‌گیرد. درعین‌حال، روش‌ها و تاکتیک‌های تلفیق مبارزه صنفی با جنبش سیاسی علیه حکومت ولایی نیز کارآمدتر می‌شوند.

با گسترش اعتراض‌های صنفی، و شکاف بیشتر بین مردم و حاکمیت ولایت فقیه، تأثیر متقابل بین جنبش صنفی‌کارگری و مبارزه سیاسی علیه رژیم ولی فقیه برجسته‌تر می‌شود. تأثیر پیوند مبارزات سیاسی با فعالیت‌های صنفی کارگران نه تنها اکنون، بلکه در تاریخ و سنت‌های مبارزاتی مردم میهن ما نیز به‌روشنی دیده می‌شود. نقش طبقه کارگر در تحول‌های سیاسی ازجمله نهضت ملی شدن نفت و انقلاب بهمن ۱۳۵۷ انکارناپذیر است. در زمان جنبش همگانی علیه رژیم دیکتاتوری پهلوی نیز تجربهٔ انقلاب بهمن نشان داد که طبقه کارگر و زحمتکشان همراه با حفظ هویت طبقاتی‌شان و طرح خواست‌های مشخص‌شان در جنبش ضد دیکتاتوری حضور پیدا کردند، و کارگران شرکت نفت با بستن شیرهای خط لوله نفت خام و جلوگیری از صادرات آن در سقوط رژیم استبداد سلطنتی و پیروزی انقلاب نقشی اساسی داشتند.

طبقه کارگر و زحمتکشان میهن ما برای تأمین حقوق صنفی و سیاسی‌شان در جنبش همگانی علیه استبداد شرکت می‌کنند. در شرایطی که اعتراض‌ها و تجمع‌های کارگری به‌صورتی جداگانه ادامه دارند، گسترش این اعتصاب‌ها و شکستن سدهای پیرامون جنبش کارگری که آن را در چارچوب فعالیت‌های صنفی جداگانه محدود می‌کنند مهم است. بنابراین تلاش برای برپایی اتحادیه‌های مستقل کارگری فراگیر از جمله وظایف مبرم جنبش کارگری است. این خواست صنفی طبقه کارگر فقط و فقط همراه با جنبش ضد دیکتاتوری همگانی با شرکت طبقه کارگر و پیوند مبارزه صنفی با جنبش سیاسی برای تحقق تغییرات بنیادین ملی و دمکراتیک تحقق می‌پذیرد. ازاین‌روی، تلفیق مبارزه طبقه کارگر برای خواست‌ها و منافع صنفی با جنبش سیاسی برای تأمین اهداف مبارزه علیه استبداد حاکمیت ولایت فقیه از جمله تأمین حقوق و آزادی‌های دموکراتیک فردی و اجتماعی، آزادی اندیشه، بیان، و مطبوعات، لغو ستم ملی، لغو تبعیض جنسیتی و حجاب اجباری، توزیع عادلانهٔ درآمد ملی و جدایی دین از حکومت بخش‌هایی مهم از نیازهای راهبردی جنبش سیاسی ضد استبدادی را تشکیل می‌دهند. تجربهٔ ده‌ها سال مبارزه علیه استبداد نشانگر آن است که شرکت فعال طبقه کارگر همراه با اتحاد عمل و پیکار مشترک با سایر لایه‌های تهی‌دست و میانه‌حال میهن ما در یک "جبهه واحد" بر ضد دیکتاتوری حاکم، بر ضد تهدیدهای امپریالیسم و اپوزیسیون جعلی هوادار آن، رمز پیروزی مبارزه برای خواست‌های جنبش مردمی همگانی و گذار از دیکتاتوری به برپایی جمهوری ملی و دموکراتیک است. حزب ما بر پایهٔ این دیدگاه بر اهمیت ارتقای سطح مبارزهٔ جنبش مردمی برضد دیکتاتوری حاکم تأکید کرده و نقش و جایگاه جنبش کارگری در آن را ضرور ارزیابی می‌کند.

مبارزه آموزگاران برای امنیت شغلی و دستمزد بالای خط فقر

با آغاز ریاست‌جمهوری ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور برگمارده خامنه‌ای، و با همراهی مجلس یک‌دست در سه سال اخیر، مانند تشدید یورش به حقوق و امنیت شغلی کارگران، یورش رژیم ولایی به دستمزد، امنیت شغلی، و تشکل‌های صنفی آموزگاران نیز تشدید شده است. طرح رتبه‌بندی معلمان پس از ده سال سرگردانی در مجلس، در نهایت ۱۵ اسفند ۱۴۰۰ به‌تصویب رسید. بر اساس گفتگوی "محمدتقی فلاحی"، دبیر کانون صنفی معلمان، با "تجارت نیوز" در هفته دوم اردیبهشت‌ماه، "در مصوبه اولیه قرار بود دریافتی معلمان نزدیک به ۸۰ درصد دریافتی اساتید دانشگاه شود"، اما به دنبال "اعتراضات معلمی درباره ماهیت طرح رتبه‌بندی، این بند هم از مصوبه اولیه حذف شد." فلاحی می‌افزاید: "مبلغی که به حقوق معلمان اضافه شد از ۲ میلیون تومان تجاوز نکرد." با اشاره به اینکه "رتبه‌بندی بیشتر به یک ابزار تنبیهی برای معلمان تبدیل شده است"، فلاحی تأکید کرد که اگر معلمی سیاست‌های وزارت آموزش‌وپرورش را زیر سؤال ببرد "خیلی سریع دریافتی رتبه‌بندی او قطع می‌شود." فلاحی اضافه کرد: "وقتی معلمان برای اعتراض به قطع حق رتبه‌بندی خود مراجعه می‌کنند آنان را به حراست وزارتخانه ارجاع می‌دهند و پاسخ دریافتی هم این است که دستور از بالا رسیده است." شرایط معلمان حق‌التدریسی به‌مراتب بدتر است. مدت‌هاست که کارگزاران رژیم به این معلمان وعده استخدام در آموزش‌وپرورش بعد از شرکت آنان در آزمون استخدامی و شرکت در مرحلهٔ گزینش را می‌دهند. یک معلمی که بیش از ده سال به صورت حق‌التدریس در مدارس دولتی مشغول به کار بوده به تجارت نیوز می‌گوید: "دو بار در آزمون استخدامی و دو بار در گزینش شرکت کرده‌ام و هر بار هم در دو مرحله قبول شده‌ام اما هنوزهیچ خبری از استخدام نیست. ... ما اغلب برای جبران کمبود معلم در مدارس دولتی به کار گرفته می‌شویم." ۱۱ اردیبهشت، وزیر آموزش‌وپرورش، رضامراد صحرایی، به ایلنا گفت: "باقی‌مانده مطالبات حق‌التدریسی‌ها را تا آخر اردیبهشت صفر می‌کنیم."

۵ اردیبهشت خبرگزاری ایسنا از پرداخت کم‌تر از یک میلیون تومان برای ۷ ماه تدریس دانشجومعلمان و تأکید علی فرهادی، سخنگوی وزارت آموزش‌وپرورش به آغاز مهر ۱۴۰۲ "با کمبود بیش از ۲۰۰ هزار معلم" گزارش داد و افزود: "اما این تدریس اجباری دانشجومعلمان در مدارس چه آثار زیان‌باری داشت؟ این نومعلمان از مهر ۱۴۰۲ یعنی به مدت ۷ ماه از سال تحصیلی ۱۴۰۳-۱۴۰۲ در مدارس مشغول تدریس بودند ولی واریزی‌هایی کم‌تر از یک میلیون تومان برای این ۷ ماه به آنان داده شده است." یک دانشجوی سال چهارمی دانشگاه فرهنگیان در تهران به ایسنا گفت: "من برای رفتن به کلاس درس هر روز هزینه ایاب و ذهاب دارم؛ هزینه‌های دیگری هم به من تحمیل می‌شود تا در کلاس درس حاضر شوم اما این ماه برای من فقط ۳۰ هزار تومان واریز کردند. بخشی از حقوقم بابت هزینه و شهریه کلاس‌های مجازی دانشگاه کسر شد و بخش دیگر ناشی از تبدیل وضعیت ما از دانشجویی به معلمی بود که یک ماه از حقوقم کسر گردید." کوروش شریعتی که به‌نمایندگی جمعی از معلمان غیررسمی با قراردادهای خرید خدمات، نهضت سوادآموزی، سرباز معلم، پیش‌دبستانی، و جز این‌ها کار می‌کنند، ۱۴ اردیبهشت به ایلنا گفت: "بخش قابل‌توجهی از فضای تعلیم و تربیت را معلمانی بر عهده گرفته‌اند که قرارداد مستقیم با آموزش‌وپرورش ندارند و حقوق‌شان آن‌قدر ناچیز است که حتی خرج تأمین هزینه‌های رفت‌وآمد آن‌ها به محل کار هم نمی‌شود... در حالی که بسیاری از آن‌ها تحصیلات دانشگاهی و تکمیلی دارند، معلمی کرده‌اند." وزارت آموزش‌وپرورش با اعلام اینکه این معلمان "توان و صلاحیت آموزش را ندارند" با در خواست تبدیل وضعیت‌شان موافقت نمی‌کند. شریعتی در این مورد گفت: "کسانی که این معلمان را فاقد صلاحیت می‌دانند بگویند چرا تا به امروز از آن‌ها برای کمبود نیروی آموزش‌وپرورش استفاده کرده‌اند؟ اگر صلاحیت نداشتند چرا سال‌ها به فرزندان‌مان آموزش داده‌اند؟"

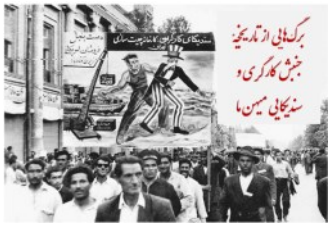

پویهٔ پیدایش سندیکاهای کارگری در ایران - بخش نوزدهم

جنبش اعتصابی دراین دوره در مقام سلاح کارآمد کارگران ازسوی شورای متحدهٔ مرکزی مورد استفاده قرار می‌گیرد. درهمین دوره اعتصاب‌های گسترده به‌وقوع می‌پیوندد. در خرداد سال 1324 بیش از هزار کارگر نفت در کرمانشاه اعتصاب شش روزه‌ای را سازماندهی کردند. این اعتصاب با یورش نیروهای ارتجاعی مواجه شد. اعتصاب شش روز به درازا کشید و کامیابی‌هایی برای نفتگران کرمانشاه درپی داشت. در بهار سال بعد در اردیبهشت ماه 1325 ده هزار نفر از کارگران نفت آغاجاری دست به‌یک اعتصاب بزرگ 14 روزه زدند. این اعتصاب از اهمیت جدی برخوردار بود و در تاریخ جنبش سندیکایی زحمتکشان میهن ما جایگاه ارزنده‌ای را به‌خود اختصاص داده‌است. شرکت غاصب نفت انگلیس و محافل ارتجاعی وابسته به دربار در برابر این اعتصاب سماجت کرده و به مقابله با آن پرداختند. این اعتصاب به‌روشنی آگاهی طبقه کارگر ایران را به‌نمایش گذاشت. خواست کارگران هم جنبهٔ صنفی و هم جنبهٔ سیاسی داشت. ازجمله خواست‌های کارگران اجرای قانون کار و تامین مسایل رفاهی به‌علاوهٔ خواست سیاسی عدم مداخلهٔ شرکت انگلیسی نفت در حیات سیاسی ایران و انحلال شعبه‌های سیاسی شرکت نفت انگلیس و برکناری استاندار دست‌نشاندهٔ خوزستان بود. این اعتصاب با موفقیت چشمگیر روبه‌رو شد. در واقع مبارزهٔ اعتصابی کارگران بخش جدایی‌ناپذیر و اصلی جنبش سراسری دمکراتیک ایران بود. این اعتصاب عظیم توانایی‌های شورای متحدهٔ مرکزی و درایت حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر ایران را در آن مقطع زمانی حساس به‌اثبات می‌رساند.

پایان بخش نوزدهم - ادامه دارد

ادامهٔ اعتراض کارگران صنایع نفت، ...

خواهان منظور شدن آن در قرارداد هستند. گسترش تجمع‌ها و اعتراض‌های صنفی در صنایع پتروشیمی نیز در اردیبهشت‌ماه بسیار چشمگیر بود. کارگران پتروشیمی اصفهان برای مزد معوقه از سال ۱۴۰۲ و پرداخت عیدی و پاداش و نارضایتی خود از پیمانکارانی که سابقه خوبی در فراهم کردن شرایط ایمنی کار و پرداخت دستمزد کارگران ندارند، همراه با گروهی از کارگران پیمانکاری شرکت فراب شاغل در پتروشیمی اصفهان در محوطه محل کار خود، خواهان رسیدگی به مطالبات‌شان شدند.

به‌گفته یک منبع کارگری، کارگران پیمانی پتروشیمی رازی در سربندر که زیر نظر شرکت‌های پیمانکاری اشتغال دارند، شدیداً به میزان حقوق و مزایای خود معترض هستند، چرا که نسبت به کارگران قراردادی و رسمی که مستقیماً زیر نظر پتروشیمی رازی کار می‌کنند، از دستمزد و مزایایی کم‌تر برخوردارند و سطح حقوق آنان در مقایسه با کارگران رسمی که در شغل‌های اداری شاغل هستند بسیار ناچیزتر است.

در اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ در پتروشیمی چوار ایلام نیز به‌دنبال اعتراض کارگران به اخراج کارگران قراردادموقت در سال گذشته، کارگران پیمانکار به اجرا نشدن طرح طبقه‌بندی مشاغل طبق قرارداد قبلی اعتراض کردند. در چنین شرایطی اعتراض کارگران پتروشیمی چوار متمرکز بر مسایل صنفی، ازجمله حذف بخش‌های بدی آب‌وهوا و سختی کار از حقوق کارگران قرار دادموقت بود، یکی از این کارگران در این مورد توضیح داد و گفت: "ما... با در نظر گرفتن سنوات و اضافه کار به‌زحمت ۱۸ میلیون تومان می‌گیریم، اما کارگرانی که با خود شرکت قرارداد دارند حقوق ماهانه‌شان ۳۰ میلیون تومان است" (ایلنا، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳).

پایمال شدن امنیت شغلی و سرکوب مزدی از جانب کارفرما در تمام این صنایع راهبردی نشان می‌دهد که کارفرما با حمایت سران نظام ولایی نه تنها قادر به حل مسایل معیشتی کارگران و زحمتکشان نیستند بلکه با تشدید استثمار در پی انباشت سرمایه به‌بهای فلاکت زحمتکشان‌اند. در شرایطی که طبقه کارگر و زحمتکشان هرچه بیشتر با فشارهای شدید اقتصادی و معیشتی مواجه هستند، اعتراض‌ها و تجمع‌ها در صنایع کلیدی ازجمله فولاد، نفت، گاز، و پتروشیمی بخش بزرگی از مبارزات صنفی زحمتکشان را تشکیل می‌دهند. درنتیجه ناتوانی رژیم ولایت فقیه از حل بحران‌های اقتصادی و پاسخگویی به مطالبات صنفی- معیشتی طبقه کارگر، بدیهی است که این اعتراض‌ها و مبارزه صنفی که خصلت سیاسی دارند بی‌شک در صنایع بزرگ راهبردی ادامه خواهند یافت. همراه با تلفیق جنبش اعتراضی‌صنفی زحمتکشان با مبارزه سیاسی برای آزادی‌های سیاسی و اجتماعی، در کنار جنبش مردمی علیه دیکتاتوری و در رویارویی با رژیم ولایت فقیه قرار خواهند گرفت. از این دید است که باید بر نقش این گونه فعالیت های اعتراضی کارگران صنایع فولاد، نفت، گاز و پتروشیمی و دیگر بخش های صنایع راهبردی تاکید داشت.

ماهیت و سرشت مبارزهٔ سندیکایی

نولیبرالیسم، اپورتونیسم، و فساد برخی سندیکالیست‌ها عامل تحریف ماهیت و سرشت مبارزهٔ سندیکایی بوده است. امروز کلمبیا ده‌ها سندیکا دارد که هیچ ارتباطی با مبارزه در دفاع از کارگر و به‌طورکلی پرولتاریا ندارند. آن‌ها زائدهٔ کارفرمایان برای یک سکهٔ کثیف رقت‌انگیز هستند و حاضرند برادران طبقاتی‌شان را بی‌شرمانه بفروشند. به‌عنوان مثال، هر کسی باور می‌کند که در تولیما (Tolima)سندیکاها و سندیکالیست‌های کارگری وجود دارند که تا مغز استخوان در خدمت بزرگ‌ترین درنده در تولیما هستند: سناتور اسکار بارتو کیروگا. او با چهرهٔ دوگانه‌اش، یکی ظاهراً در راستای منافع کارگران و دیگری برای تعظیم در برابر ارباب، و در انتظار است تا خرده‌ای نان از میز ارباب بیفتد. این رهبران سندیکایی خود را "غیرسیاسی" معرفی می‌کنند و از اعضای سندیکا می‌خواهند که فعالیت سندیکایی را با سیاست اشتباه نگیرند، اما از سیاست‌های سرمایه‌داری پشتیبانی می‌کنند. آنان کسانی هستند که می‌خواهند با همه خوب باشند. یعنی با کارفرما و با کارگر.

اما مبارزهٔ سندیکایی چیست؟

از نظر تاریخی مبارزه سندیکایی شکلی از مبارزهٔ طبقهٔ کارگر است، راهی برای مطالبهٔ حقوق صنفی‌رفاهی طبقهٔ کارگر که به‌طورسنتی از سوی الیگارشی فاسد در کلمبیا در دو حزب سنتی محافظه‌کار و لیبرال در معرض تحقیر و خشم قرار گرفته است.

این الیگارشی رانت‌خوار و جنایتکار که بیش از دویست سال است بر ما حکومت می‌کند، گاهی با نشان قرمز و گاهی با نشان آبی، اما همیشه در خدمت طبقهٔ حاکم بوده است. این الیگارشی بسیار حیله‌گر در واقع تنها یک حزب با دو رنگ متفاوت داشته است و آنقدر حیله‌گر، زیرک، و فریبنده است که هیچ شرمی برای انتخاب سندیکاها و اعضای آن‌ها برای منافع طبقاتی‌اش نداشته است. این سندیکاها به "سندیکاهای زرد، دست‌ساز، و دست‌آموز" معروف هستند که فقط به خرده‌هایی که از سفرهٔ قدرتمندان می‌ریزند، قناعت می‌کنند. برای آن‌ها سیاست ربطی به مشکلات طبقهٔ کارگر ندارد. برخی از اعضای این سندیکاها به‌اجمال می‌گویند: "من یک سندیکالیست غیرسیاسی هستم."

در ایباگه (Ibagué)، اغلب سندیکاهایی بزرگ را می‌توان دید که تنها زمانی به‌حرکت درمی‌آیند که دولت‌ها به‌طورمستقیم بر جیب آن‌ها تأثیر بگذارند. آن‌ها از اتحاد و حتی از مقاومت و مبارزهٔ "انقلابی" دم می‌زنند اما در این سندیکاها و از سوی اعضای آن‌ها تساهل و تنوع فکری مطرود است. اگر دولت محافظه‌کار باشد، هیچ چیزی نباید گفت. اپوزیسیون با لیبرال‌ها مطابقت دارد و بالعکس. هنوز این معیار قدیمی وجود دارد که لیبرال بودن چیزی و محافظه‌کار بودن چیزی دیگر است. مطمئناً، آنان تعریف خردمندانه‌ای که گارسیا مارکز در شاهکارش رمان "صد سال تنهایی" از این حزب‌ها ارائه کرده است نخوانده‌اند. مارکز گفت تنها تفاوت یکی با دیگری این است که محافظه‌کاران ساعت هفت صبح و لیبرال‌ها ساعت چهار بعدازظهر به آیین عشای‌ربانی می‌روند.

سازمان سندیکایی و اهمیت جانبداری طبقاتی

مبارزهٔ سندیکایی بدون محتوای سیاسی در درازمدت به یک فریب تبدیل می‌شود. می‌توانم بگویم یک فریب مضاعف. نخست زیرا گفتن اینکه یک فرد "غیرسیاسی" است، دروغ بزرگی است. این موضع روشن و مختص نیروهای راست است. این واقعیت سادهٔ "غیرسیاسی بودن" موضع‌گیری‌ای سیاسی است که از طبقهٔ حاکم و در این مورد از بورژوازی به‌صراحت دفاع می‌کند. این همان چیزی است که "اسکار بارتو"، نمایندهٔ حزب محافظه‌کار، و نمایندهٔ دیگر نیروهای راست "آندرس فابیان اورتادو" می‌خواهند که ما "غیرسیاسی" باشیم.

ولادیمیر ایلیچ لنین گفت: "سیاست فعالیت متمرکز اقتصاد است." یعنی هر مشکلی که توده‌ها از آن رنج می‌برند به یک مشکل سیاسی تبدیل می‌شود. مبارزه سندیکایی باید جانبداریِ طبقاتی در عرصهٔ سیاسی داشته باشد، زیرا قرار است نه صرفاً برای خرده‌ریزی، بلکه برای تغییر سیستم و تأمین حقوق کارگران و زحمتکشان مبارزه کند. فعالیت سندیکایی فقط برای اطلاع دادن زمانی که قرار است دستمزدها را پرداخت کنند، وجود ندارد، مبارزه سندیکایی واقعی به‌طوردیالکتیکی مبارزهٔ سندیکایی را با مبارزهٔ سیاسی تلفیق می‌کند تا دگرگونی‌های ساختاری در کلمبیا را ترویج کند.

فعالیت سندیکاهای کلمبیایی، در ایباگه و در تمام کلمبیا، درگیر بحثی پردامنه بین اعضا و رهبری و از رهبری به اعضا در مورد نقش، ماهیت، و سرشت سازمان سندیکایی و محتوای مبارزهٔ آن در قرن بیست‌ویکم است. ما باید آن را از نولیبرالیسم، تسلیم‌طلبی نجات دهیم تا بتواند بار دیگر مبارزه‌ای سندیکایی با جانبداری طبقاتی، منسجم، و سیاسی باشد. انجام ندادن این کار محکوم کردن فعالیت سندیکایی به "صد سال تنهایی" دیگر است.

نویسنده: "نلسون لومبانا سیلوا" (Nelson Lombana Silva)
[منبع نقل و برگردان به‌فارسی: "سایت حزب کمونیست کلمبیا"].

توضیح "نامهٔ مردم": مطلب بالا دربارهٔ مسائل سندیکایی به‌قلم "نلسون لومبانا سیلوا" که اینک از نظر خوانندگان نامه مردم گذشت، یکی از آخرین فعالیت‌های رفیق فقید ایرج زارع است که با وجود سپری کردن لحظه‌های دشوار بیماری برای حزب ترجمه و آمادهٔ چاپ کرد. یاد و نامش گرامی باد.

ادامهٔ تجربهٔ مبارزهٔ کارگران «هپکو»

در شرایطی که سیاست‌های ضدمردمی اقتصادی به‌ویژه حمایت نکردن از تولید داخلی توسط رژیم ولی فقیه ادامه دارد، به افزایش چشمگیر تولید امیدی نمی‌رود. این وضعیت ناگوار پیگیری مبارزه کارگران هپکو برای تعیین وضعیت شرکت، برای دریافت حقوق معوقه‌شان، و شرکت در تجمع ها و سازماندهی اعتراض‌هایی گسترده به‌منظور نیل به این اهداف را باعث شد. واگذاری شرکت هپکو به بخش خصوصی انگلی همراه با تخلف‌ها و پایمال شدن حقوق کارگران هپکو کار را به نهادهای قضایی کشاند و به‌گفتهٔ مدیریت فعلی هپکو ۴۶ فقره پرونده فساد و تخلف به جریان افتاد. هیچ‌یک ازاین پرونده‌ها به‌طورجدی مورد بررسی و قضاوت قرار نگرفته‌اند. مبارزه کارگران واحد تولیدی راهبردی هپکو نشانگر توان طبقه کارگر در سازماندهی پیکار برای تأمین منافع صنفی و سیاسی از جمله خواست پرداخت دستمزدهای معوقه در شرکت هپکو و پیوند آن با مبارزه سیاسی برای جلوگیری از برنامه‌های تخریب‌کننده خصوصی‌سازی است.

20 May 2024

حزب تودهٔ ایران
Tudeh Party of Iran

شمارهٔ فاکس و تلفن پیام گیر ما
004930
23629727

لطفاً در مکاتبات خود با آدرس های زیر از ذکر هرگونه نام اضافی خودداری کنید.
آدرس پستی:
B.M. Box 1686, London WC1N 3XX, UK
آدرس های اینترنت و «ای-میل»
http://www.tudehpartyiran.org
E-Mail: dabirkhaneh_hti@yahoo.de

ضمیمهٔ کارگری نامهٔ مردم - شمارهٔ ۸۵
Nameh Mardom –Workers Supplement No.85